

دشمن شناسی از منظر امام علی (علیه السلام)

تبیین اندیشه های امیرالمومنین علی (ع) در زمینه شناخت دشمن به ما کمک می کند تا در اصلاح روش و سلوک خود به منظور مقابله با دشمنان انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی به شکل آگاهانه تری اقدام نماییم...



تبیین اندیشه های امیرالمومنین علی (ع) در زمینه شناخت دشمن به ما کمک می کند تا در اصلاح روش و سلوک خود به منظور مقابله با دشمنان انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی به شکل آگاهانه تری اقدام نماییم. از محوری ترین مسائل دفاعی کشور، دشمن شناسی است. با شناخت دشمن می توان احتمال پیروزی و یا شکست را مشخص کرد و به ایجاد زمینه های دفاعی همت گماشت. در عرصه مسائل سیاسی و اجتماعی نیز دشمن شناسی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و از مهمترین عوامل در تأمین امنیت فردی و اجتماعی محسوب می شود. بر همین اساس بخش عظیمی از آیات قرآن کریم به معرفی دشمن اختصاص یافته است.

درسیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) نیز به دشمن شناسی توجه بسیار شده است. و در میان معصومین، رفتار حضرت علی (ع) با دشمنان از همه درس آموزتر است. علی (ع) با توجه به شرایط زمانی و شیوه حکومتش با دشمنانی روبرو بود که پیامبر (ص) و دیگر ائمه (ع) با آن روبرو نشدند. کسانی که سابقه درخشانی در خدمت به اسلام داشتند؛ انسان هایی که اهل عبادت و شب زنده داری بودند ولی از روح تعالیم اسلام بی خبر بودند از این گروه های معارض به شمار می آیند. علی (ع) با نفاق پنهان روبرو بود؛ دشمنانی که مقابله با آن ها به مراتب سخت تر از مبارزه با نفاق آشکار است. حضرت علی (ع) در حکومت پنج ساله خود با سه جریان مخالف روبرو شد: ناکثین، قاسطین و مارقین. بررسی و شناخت عملکرد این سه گروه مخالف و مواضع آن حضرت، در برابر آن ها، می تواند نقش بسیار مهمی در آگاهی از شیوه برخورد با دشمنان داشته باشد. به عبارت دیگر، تبیین اندیشه های امیرالمومنین علی (ع) در زمینه شناخت دشمن به ما کمک می کند تا در اصلاح روش و سلوک خود به منظور مقابله با دشمنان انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی به شکل آگاهانه تری اقدام نماییم.

#164¤¤&

اهمیت دشمن شناسی

شناخت دشمن از ضروریات اولیه هر مبارزه است و از طریق آن می توان بقای خود و جامعه را تضمین کرد. در طول تاریخ جوامع، تمام شکست ها ناشی از بی توجهی به دشمن بوده است.

امروز، قدرت های بزرگ با ایجاد سازمان ها و تشکیلات اطلاعاتی و جاسوسی و اختصاص بودجه های کلان برای این مراکز، تلاش می کنند تا دشمنان بالقوه و بالفعل خود را شناسایی کنند قبل از آنکه نقشه دشمنان کارساز شود آن ها را درهم شکنند. این تشکیلات در تصمیم گیری و برنامه ریزی های اساسی این دولت ها نقش مهمی دارند. در مکتب رهایی بخش اسلام نیز درباره شناخت دشمن، توصیه های فراوان شده است.

صفات دشمنان از دیدگاه قرآن

قرآن کریم نیز به شناخت دشمن، برای حفظ و سلامت جامعه سفارش کرده و در قالب داستان های عبرت آموز به معرفی دشمنان توحید در اشکال گوناگونی چون شیطان شناسی، منافق شناسی، طاغوت شناسی و کفار و مشرکان اشاره می کند.

قرآن شناخت اهداف دشمنان اسلام و جامعه اسلامی را از حساس ترین وظایف مسلمانان عنوان می کند. مهمترین ویژگی دشمنان اسلام از نظر قرآن، پیمان شکنی آن ها است. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: "کیف وان یظهوروا علیکم لایرقبوا فیکم لا ولا ذمه" چگونه (پیمان مشرکان ارزشی دارد) در حالی که اگر بر شما غالب شوند نه ملاحظه خویشاوندی با شما را می کنند و نه پیمانی را (پایبند هستند).

قرآن دشمنان اسلام را دارای خصلت های ناپسندی نظیر نژادپرستی، قانون شکنی، خوی استکباری و.. می داند. در آیه پنجم سوره

حجر و در آیه 96 سوره بقره یکی از ویژگی های دشمنان اسلام دنیاپرستی عنوان شده است. در آیه 54 سوره نساء و آیه 105 سوره بقره حسادت و بدخواهی یکی دیگر از خصلت های ناپسند دشمنان شمرده شده است. همچنین در آیه 100 سوره اسراء و آیه 53 سوره نساء و آیه های 75 و 119 سوره آل عمران و آیه 74 سوره نساء و آیه 175 سوره آل عمران و آیه 71 سوره طه و آیه 22 سوره انفال تنگ نظری، خیانت، خشم و کینه، شیطان صفتی، خود را قیّم مردم دانستن، و بالاخره بی شعوری، از خصلت های ناپسند دشمنان اسلام محسوب شده است. قرآن در جای دیگر خطر دشمن را چنین بیان می کند:

"اگر (دشمنان) بر شما دست یابند همچنان با شما دشمن اند و دستان شان (به زور) و زبان هایشان (به تبلیغات) به بدی به سوی شما باز است و دوست دارند کافر شوید و از ارزش های خویش دست بردارید."

دشمن شناسی در روایات

همچنین درباره لزوم شناخت دشمن احادیث فراوانی از پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) وجود دارد که به پاره ای از آن ها اشاره می کنیم:

پیامبر(ص) درباره ضرورت شناخت دشمن می فرماید:

"ألا و ان أعدل الناس عبد عرف ربه فأطاعه و عرف عدوه فعصاه"

آگاه باشید، عاقل ترین مردم کسی است که خدایش را بشناسد و از او پیروی کند، و دشمن را نیز بشناسد و آنگاه نافرمانیش نماید. در حدیثی دیگر پیامبر(ص) می فرماید:

"مردم اگر به ده چیز شناخت پیدا کنند، سعادت دنیا و آخرتشان تأمین است، که یکی از آن امور شناخت ابلیس و یاورانش می باشد."

دشمن شناسی در نهج البلاغه

حضرت علی(ع) در نهج البلاغه شناخت دشمن را رمز بینش معرفی می کند و می فرماید:

واعلموا انکم لن تعرفوا الرشد، حتی تعرفوا الذی ترکه ولن تأخذوا بميثاق الكتاب حتی تعرفوا الذی نقضه و لن تمسکوا به حتی تعرفوا الذی نبذہ...؛

"و بدانید که رشد نمی یابید مگر که ترک کنندگان آن را بشناسید و هرگز به کتاب خدا چنگ نمی زنید، مگر که فروفکننده آن را چنانکه باید، شناخته باشید." علی(ع) ماهیت دشمنان اسلام را چنین معرفی می کند: "به بالادست خود نافرمان، به زیردست، ستم کننده، و با ستمکار هم دست اند."

آن حضرت درباره مکر و حیلۀ دشمن می فرماید:

"کن للعدو المكاتم أشد حذراً منك للعدو المبارز"

"از دشمن پنهان بیشتر از دشمن آشکار برحذر باش"

نیز در جای دیگر به عدم غفلت از دشمن و پرهیز از کوچک شمردن آن سفارش کرده و می فرماید: "لا تستصغرن عدواً و ن ضعف"

"هرگز دشمنی را کوچک مشمار، هرچند ضعیف باشد."

همچنین می فرماید: "آفه القوي استضعاف الخصم" "آفت قدرتمند، ضعیف شمردن دشمن است."

حضرت امام جواد(ع) نیز یکی از ارکان مهم دفاع را شناخت دقیق دشمن می داند و می فرماید: "من لم يعرف الموارد اعتهیه المصادر"

"کسی که نقشه ها و مواضع کلیدی دشمن را نشناسد، در رسیدن به هدف عاجز است."

از این احادیث و رهنمودها درمی یابیم، که یکی از اساسی ترین عوامل پیروزی، شناخت دشمن است. بررسی انقلاب های توحیدی نشان می دهد که رهبران این انقلاب ها برای ایجاد انقلاب در جامعه ابتدا چهره دشمنان را شناسایی و سپس مبارزات علنی خود را شروع کردند.

معرفی دشمن یکی از اهداف اساسی معصومین(ع)

پس از رحلت پیامبر(ص)، اسلام واقعی از مسیر اولیه اش منحرف و خلافت از خاندان پیامبر اسلام(ص) گرفته شد، از این رو، از همان ابتدا، امامان شیعه تلاش خود را صرف شناسایی چهره دشمنان اسلام کردند. حضرت علی، امام حسن، امام حسین و دیگر ائمه(ع) تلاش های زیادی در جهت معرفی دشمن به جامعه مسلمین انجام دادند و مهمترین رمز پیروزی آن ها، بویژه پیروزی نهضت حسینی در این بود که دشمن را به مردم معرفی کرده بودند. بی تردید، مهمترین عامل در پیروزی انقلاب اسلامی ما نیز تأکید حضرت امام(ره) بر شناخت و معرفی دشمنان بوده است و در سایه این شناخت، انقلاب اسلامی به ثمر رسید.

اصلاحات حضرت علی(ع) و شکل گیری مخالفان

قبل از آنکه دیدگاه های علی(ع) را درباره دشمن و دشمن شناسی تبیین نماییم به بررسی عواملی که باعث به وجود آمدن دشمنانی برای آن حضرت در دوره حکومت ایشان شده است، می پردازیم. امیرالمؤمنین(ع) پس از بدست گرفتن حکومت، اقدامات اصلاحی را آغاز کرد که باعث شکل گیری دشمنانی برای آن حضرت شد. عمده کارهای اصلاحی که باعث به وجود آمدن دشمنانی برای علی(ع) شد در سه زمینه بوده است: اداره کشور، حقوق مردم و بیت المال.

اصلاحات در اداره کشور

امیرالمؤمنین(ع) در اداره کشور، والیانی را که عثمان در شهرها گمارده بود، به دلیل ظلم و تعدی، بی کفایتی، عدم لیاقت و شایستگی و ناآگاهی از راه و رسم کشورداری [که همین ویژگی ها باعث شورش مردم در زمان عثمان شده بود] برکنار کرد و به جای آنان مردانی دیندار، مدبر ولایت را به کار گماشت.

آن حضرت بر اصل لیاقت و شایستگی در کسب مناصب، تأکید خاص داشت. به عقیده آن حضرت توان، لیاقت و شایستگی افراد در نظام سیاسی مهمترین اصل بر اداره جوامع بشری است.

تأکید حضرت علی(ع) بر این اصل و نیز تلاش در جهت احیای ارزش های الهی موجب تقویت دشمنان وی شد.

اصلاحات در زمینه حقوق مردم

حضرت علی(ع) در آنچه به حقوق مردم مربوط می شد، عموم مسلمانان را در حقوق و وظایف با یکدیگر برابر قرار داد. در عصر جاهلیت، حقوق افراد برابر نبود. ظهور اسلام اساس آن نابرابری ها را درهم ریخت، اما در زمان عثمان تبعیض های عصر جاهلیت به نهایت رسید و سایه شوم بی عدالتی و نابرابری در جامعه حاکم شد. از این رو قریش که در سیادت بر قبایل عرب، گذشته ای افتخارآمیز داشت در روزگار عثمان سربرافراخت.

در حکومت علی(ع) این امتیازات جاهلی لغو شد. علی(ع) فرمود: "خوار، نزد من عزیز و گرامی است تا حق او را بگیرم و افراد متکبر و گردنکش نزد من خوارند تا حق مستضعفان را از آنان بازستانم."

تأکید حضرت بر عدالت و اجرای عدالت در نظام اجتماعی و سیاسی باعث شد تا عده ای از علی(ع) فاصله بگیرند و به جمع مخالفان بپیوندند.

اصلاحات در بیت المال

حضرت علی(ع) در زمینه سیاست مالی، موضع سرسختانه و قاطعی داشت. آن حضرت در نخستین خطبه خود در آغاز حکومت فرمود: "ای مردم من یکی از شمایم. با هر یک از شما در حق و وظیفه برابریم، روش کار من همان سنت پیامبر شما است و دستور او را به کار خواهیم بست، بدانید، زمین هایی که عثمان به تیول وابستگان در آورده و اموالی که به این و آن بخشیده است، به بیت المال بازمی گردانم و..."

تأکید امیرالمؤمنین(ع) در برابری همه در مقابل قانون بویژه در پرداخت مالیات و برخورداری از بیت المال، سبب شورش عده ای علیه ایشان گردید و بسیاری از اشراف، صاحبان نفوذ و بزرگان قبایل در صف دشمنان او قرار گرفتند. به این ترتیب، علی(ع) در دوران خلافتش سه دسته را از خود طرد کرد:

1) ناکثین

جاه طلبان و مقام پرستانی که در خط مقدم بیعت کنندگان با حضرت علی(ع) بودند و آرزوی ریاست در سر داشتند اما با روی کار آمدن حضرت امیر(ع) و جایگزینی ارزش های الهی به جای ارزش های جاهلی به اهداف خود نرسیدند و راه مخالفت را در پیش گرفتند.

2) قاسطین

اینان روحیه تقلب و نفاق داشتند. ظالمانی بودند که از حکومت های پیشین بهره ها بردند و از راه غارتگری، اموال فراوان به دست آوردند. آن ها می کوشیدند بنیان حکومت علی(ع) را درهم ریزند و حکومت را به دست گیرند.

3) مارقین

کوتاه فکران و متحجرانی که در حقیقت دین را درک نکردند و روحشان روح عصبیت های ناروا و خشکه مقدس و جاهلان خطرناک بود.

این سه جریان مخالف حکومت، از همان نخستین روزهای حکومت آن حضرت که منافع خود را در خطر دیدند، فعالیت هایی را برای سرنگونی حکومت عدل آغاز کردند.

حضرت علی(ع) در نهج البلاغه به مهمترین روش های مخالفان در دشمنی با خود اشاره کرده است. بررسی یکایک آنها می تواند ما را در شناخت دشمن یاری دهد.

اقسام دشمن از نظر حضرت علی(ع)

از دیدگاه حضرت علی (ع) دو نوع دشمن در جامعه وجود دارد:

دشمن آشکار و دشمن پنهان. از منظر علی (ع) کم خطرترین دشمن، دشمنی است که دشمنی خود را آشکار کرده است، حضرت می فرماید: "اوهن الاعداء کیداً من اظهر عداوته" "سست ترین دشمنان کسی است که عداوتش را آشکار ساخته است." و درجای دیگر می فرمایند: "من اظهر عداوته قل کیده" "آن کس که دشمنی اش را اظهار کرده، توطئه و مکرش کم است." آن حضرت اظهار می دارد: خطرناک ترین دشمن، دشمنی است که دشمنی اش را پنهان می کند و این دشمنی همانا نفاق است. امام (ع) در این زمینه می فرمایند: "شرالاعداء ابعدهم غوراً و اخفاهم مکیده" "بدترین دشمنان کسانی اند که حيله خود را بیشتر پنهان می دارند." سخت ترین ضربه به مکتب اسلام از ناحیه همین نوع دشمنان بوده است.

علی (ع) در این باره می فرماید: "انما اتاک بالحدیث اربعه رجال لیس لهم خامس: رجل منافق مظهر لایمان متصنع بالاسلام لایثام ولا یتحرج، یکذب علی رسول الله (ص) معتمداً، فلو علم الناس انه منافق کاذب لم یقبلوا منه و لم یصدقوا قوله ولكنهم قالوا صاحب رسول الله (ص) رآه و سمع منه ولقف عنه فیأخذون بقوله"

"افرادی که نقل حدیث می کنند، چهار دسته اند و پنجمی ندارند: نخست، منافقی که اظهار اسلام می کند، نقاب اسلام را به چهره زده، نه از گناه، باکی دارد و نه از آن دوری می کند، عمداً به پیامبر (ص) دروغ می بندد. اگر مردم می دانستند که این شخص، منافق و دروغگو است، از او قبول نمی کردند و تصدیقش نمی کردند، اما چون از واقعیت او آگاه نیستند، می گویند وی صحابی رسول خدا است، پیامبر (ص) را دیده و از او حدیث شنیده و مطالب را از او دریافت کرده است، به همین دلیل گفته اش را می پذیرند." مشکل ترین مبارزه ها، مبارزه با نفاق است، مبارزه با زیرک هایی است که احق ها را وسیله قرار می دهند. این پیکار از پیکار با کفر مشکل تر است زیرا جنگ با کفر، مبارزه با یک جریان آشکار است و اما مبارزه با نفاق، در حقیقت مبارزه با کفر مخفی است. نفاق دو رو دارد: یکی روی ظاهر که اسلام است و مسلمانی، و یک روی باطن که کفر و شیطنت است و درک آن برای توده ها و مردم عادی بسیار دشوار و گاهی غیرممکن است.

از این رو مبارزه با نفاق ها در بسیاری از موارد به ناکامی منجر شده است، زیرا بسیاری از مردم شعاع درک شان از سر حد ظاهر نمی گذرد و نهفته را روشن نمی سازد و تا اعماق باطن نفوذ نمی کند.

علی (ع) در نامه ای به محمد بن ابی بکر می فرماید:

"پیغمبر به من گفت: من بر اتم از مؤمن و مشرک نمی ترسم، زیرا مؤمن را خداوند به سبب ایمانش باز می دارد و مشرک را به خاطر شرک ورزی خوار می کند، و لکن بر شما از هر که در دل، منافق است و زبانی دانا دارد می ترسم، اینان کلامی که می پسندید، می گویند و آنچه را ناشایسته می دانید می کنند."

امیرالمؤمنین (ع) در بحث دشمن شناسی بیشترین تأکید را درباره نفاق دارد. به اعتقاد علی (ع) بیشترین هم و غم دشمن در مبارزه با اسلام پاشیدن بذر نفاق در بین مسلمانان است. جریان قاسطین نیز در جنگ صفین از طریق پاشیدن بذر نفاق در صفوف مسلمین توانست حکمیت را بر حضرت تحمیل کند.

تاکتیکهای دشمنان

سه جریان عمده مخالف حکومت حضرت علی (ع) هر یک به روشی به دشمنی با حضرت پرداختند و برای دستیابی به اهداف خویش توطئه های فراوانی به راه انداختند. از این سه جریان، ناکثین از همه بیشتر در این راه پیش قدم بوده اند. اینها کسانی بودند که جزء اصحاب پیامبر و از اولین بیعت کنندگان با حضرت امیر (ع) بودند. سبب این جریان طلحه و زبیر هستند. بررسی این جریان می تواند ما را در شناخت دشمنان داخلی انقلاب اسلامی که در لباس دوستی تیشه به ریشه انقلاب می زنند، یاری دهد. جریان ناکثین (پیمان شکنان) قصه دردناک خودی های بریده از آرمان ها است. ناکثین داستان عبرت آمیز برگزیدگانی است که دنیا طلبی، آنان را در مدار نفاق قرارداد و سرانجام به مبارزه با امام (ع) کشاند. این جریان آینه عبرت است. درسی برای تمامی کسانی که باور دارند دنیا محل امتحان است و ماده امتحانی آن، عشق به خداست.

مهمترین روش ها و تاکتیک های دشمنان اسلام از دیدگاه حضرت علی (ع) عبارتند از:

انجام فعالیتهای سازمانی و تشکیلاتی

فعالیت تشکیلاتی و سازمان یافته، تأثیر مهمی در پیروزی یک جریان دارد. ناکثین با آگاهی از نقش و تأثیر فعالیت سازمانی تلاش کردند تا در قالب یک گروه، حزب و سازمان، متشکل شوند و اهداف خود را به آسانی پیش ببرند.

علی (ع) بیان می دارند، با اینکه اهل باطل در درون خود جهنمی از اختلاف و تفرقه دارند، اما در مقابل حق متحد بوده و در قالب یک تشکل به مقابله با حق می پردازند. علی (ع) در نهج البلاغه آنگاه که سخن از پیمان شکنان می کند بر روی این نکته تأکید می کند که اینان گروهی متشکل و سازمان یافته هستند.

دشمنان برای رسیدن به اهداف خود با یکدیگر متحد شده و همکاری می کنند. علی (ع) طلحه و زبیر، یعلی بن امیه و عبدالله بن عامر را مثال می زند و می فرماید:

"با اینکه طلحه و زبیر از شورشیان علیه عثمان بودند هزینه سپاه خود را در جنگ جمل از طریق فرمانداران عثمان تأمین می کردند به

طوري که يعلي بن اميه که از طرف عثمان در صنعا حکومت مي کرد و اموال زيادي اندوخته بود چهار هزار دينار و هفتصد شتر در اين راه، در اختيار زبير قرارداد. "

عبدالله بن عامر نيز که از فرمانداران عثمان بود همين اندازه بودجه سپاه را تأمين کرد و شتري به نام عسکر در مقابل ششصد درهم در اختيار طلحه قرار داد.

ابن ابي الحديد مي نويسد:

وقتي طلحه و زبير شورش کردند، معاويه در نامه اي به زبير از وي به عنوان اميرالمؤمنين ياد مي کند:

"به نام خداوند رحمان و رحيم، به بنده خدا، زبير امير مؤمنان، از معاويه پسر ابوسفيان. درود بر تو، همانا من براي تو از اهل شام بيعت خواستم، آنان پذيرفتند و دسته جمعي اطاعت نمودند. بر شما باد که بصره و کوفه را در يابيد که فرزند ابوطالب بر شما سبقت کرد. بعد از به دست آوردن اين دو شهر، ديگر مشکلي در کار نيست و من بعد از تو با طلحه بيعت نمودم. پس خونخواهي عثمان را اعلام کنيد و مردم را نيز به اين مطلب دعوت نماييد و بايد جديت فراوان و چابکي براي اين کار داشته باشيد. "

اينجا است که علي(ع) از اين مجموعه به عنوان حزب شيطان تعبير مي کند و مي فرمايد:

"الا و ان الشيطان قد جمع حزبه و استجلب خيله و رجه

آگاه باشيد شيطان حزب خويش را گرد آورده و سواران و پيادگان لشکر خويش را فراخوانده است. "

بنابراين، علي(ع) به مسلمانان هشدار مي دهد که دشمنان براي رسيدن به مقاصد خويش و سرنگوني حکومت اسلامي، با همديگر متحد مي شوند و در قالب سازمان و يا حزب به مبارزه خود ادامه مي دهند.

شعارها و بهانه هاي عامه پسند

يکي از مهم ترين روش هاي مخالفان، طرح شعارهاي عامه پسند است. از اين طريق جو جامعه را مخدوش و با خود همراه مي کنند و براي مردمي جلوه دادن حرکت خود، شعاري مناسب را طرح و با آن جامعه را ملتهب مي سازند.

اين شعار و بهانه بنابر مقتضيات زمان به شکلي خاص مطرح مي شود. در زمان حکومت علي(ع) سوژه پيراهن عثمان براي مخالفان آن حضرت بهانه مناسب بوده است. عجيب اين است که کساني که خود در رأس مخالفان حکومت عثمان بودند حتي شادي خود را از قتل عثمان پنهان نکردند، پيراهن خونين عثمان را علم کردند و به مخالفت با علي(ع) برخاستند.

ابن ابي الحديد مي گويد:

طلحه، سخت ترين تحريك کنندگان عليه عثمان بود و بعد از او زبير در اين قسمت از همه بيشتر پافشاري مي کرد.

بلاذري از ابي مخنف و ديگران نقل کرده است:

وقتي مردم، عثمان را محاصره کردند، طلحه براي آنکه حلقه محاصره تنگ تر شده و عثمان کشته شود از ارسال آب و نان براي عثمان جلوگیری مي کرد. تا آنجا که علي(ع) از اين ماجرا به خشم آمد و براي عثمان آب فرستاد.

حضرت علي(ع) اين جريان را چنين تحليل مي کند:

"به خدا سوگند او (طلحه) براي خونخواهي عثمان با عجله دست به کار نشد، جز اينکه مي ترسيد خون عثمان از خود او مطالبه شود زيرا او متهم به قتل عثمان است و در ميان مردم از او حريص تر بر کشتن عثمان يافت نمي شود... "

و در جاي ديگري مي فرمايد:

"... و انهم ليطلبون حقاً هم ترکوه و دماء، هم سفکوه... "

"و اينان در طلب حقي هستند که خود آنرا ترک کرده اند و خواهان خوني که خود آنرا ريخته اند. "

به هر حال، ناکثين براي ايجاد ترديد در مسلمانان و مغالطه کاري، گروهی را به عنوان خونخواه دور خود جمع کردند تا حکومت علي(ع) ساقط شود. علي(ع) شيوه پيمان شکنان را بهانه جوبي و سوژه يابي معرفي مي فرمايد:

بهانه هايي که مي آورند چيزهايي است که تنها در ظاهر، رنگ و رويي دارد و در باطن هيچ.

رهنمودهاي علي(ع) درباره بهانه تراشي هاي دشمنان، ما را به هوشيارى در برابر دشمنان و بهانه هايي که آن را دستاویز توطئه هاي خود قرار مي دهند دعوت مي کند.

استفاده ابزاري از چهره هاي مقبول

شخصيت ها و چهره هاي شناخته شده، همانگونه که يکي از عوامل مهم پيروي بوده اند، گاهي بزرگترين عامل انحطاط و باعث انحراف مردم شده اند. دشمنان تلاش مي کنند تا با استفاده از اين چهره ها، مردم را با خود همراه سازند. ناکثين در راه هدف شوم خود، عايشه همسر پيامبر(ص) را با خود همراه کردند زيرا عقیده داشتند، مسلمانان به خاطر احترام به پيامبر(ص)، همراه عايشه در راه مبارزه با علي(ع) همگام مي شوند و اين نقشه نيز مؤثر واقع شد.

علي(ع) درباره اين روش مبارزه ناکثين چنين مي فرمايد:

"پس اينان شورش کردند، در حالي که همسر رسول خدا را همچون کنيزي که براي فروش مي برند، به دنبال خود کشاندند در حالي که همسران خود را در خانه پشت پرده نگه داشتند (تا از نظر بيگانگان دور باشند) و پرده نشين حرم پيامبر را در برابر ديگان خود و ديگران قرار دادند "

عايشه عالي ترين چهره براي تبليغات طلحه و زبير بود. اين دو از عنوان ام المؤمنين سوءاستفاده فراوان کردند و از اين راه توانستند مردم را در جنگ جمل عليه علي(ع) بسيج کنند. علي(ع) در برخورد با اين شيوه دشمن مي فرمايد: "راه جلوگیری از انحراف اين است

که حق را شناخت نه شخصیت افراد را " این طریق بهترین شیوه برای حفظ انقلاب ها و آرمان ها است و باید مورد توجه ملت ایران نیز قرار گیرد.

ایجاد شبهه

از آنجا که حق، مطابق با فطرت، و باطل، برخلاف سرشت آدمی است، باطل با وصف بطلانش نمی تواند ظاهر شود. باطل آنگاه می تواند نفوذ کند که لباس حق بپوشد و این همان چیزی است که علی(ع) از آن در نهج البلاغه تحت عنوان شبهه یاد می کند. شبهه چیزی است که شبیه به حق است. علی(ع) می فرماید:

"شبهه را از این رو شبهه نام نهادند که شباهت به حق دارد اما برای دوستان خدا، نوری که آنان را در تاریکی های شبهه راهنمایی کند، یقین آن ها است، و راهنمایی آن ها، مسیر هدایت است، ولی دشمنان خدا، گمراهی شان آنان را به شبهات دعوت می کند. حضرت علی(ع) یکی دیگر از روش های دشمنان را ایجاد شبهه در میان مردم می داند و معتقد است برای مردمی که به حقایق واقف نیستند، بزرگترین خطر، شبهه است، زیرا عامه مردم آنقدر قدرت تجزیه و تحلیل ندارند که باطل را تشخیص داده و لباس حق را از تن باطل برکنند و دشمنان نیز در پی همین فرصت هستند.

به اعتقاد علی(ع)، دشمنان، باطل را در لباس حق به مردم جلوه می دهند، تا آنجا که گاه حتی بر نزدیکان هم، حق مشتبه می گردد. کار شبهه، گاه به آنجا می رسد که حتی "حق ناطق" و "تبلور راستین حق" هم باید تلاش زیادی برای معرفی حق کند تا شبهه داران باور کنند که لباس حق را بر باطل پوشانیده اند.

هنگامی که علی(ع) نزدیک بصره رسید، پیمان شکنان کسی را نزد حضرت فرستادند تا حقیقت حال را جویا شود و بدانند با شورشگران (ناکثین) چگونه رفتار خواهد کرد تا شبهه از دلشان زدوده گردد. امام(ع) چگونگی رفتار خویش را به شکلی بیان فرمود که برای این شخص روشن شد حق با آن حضرت است، در این هنگام که امام اعتراف او را نسبت به حقانیت خویش یافت از او خواست بیعت کند، اما او پاسخ داد:

من فرستاده گروهی هستم و از پیش خود کاری نمی کنم. امام(ع) فرمود:

- اگر آن ها تو را گسیل می داشتند که محل ریزش باران را برایشان بیابی و سپس به سوی آن ها باز می گشتی و از مکان سبزه و آب آگاهشان می کردی اگر مخالفت می کردند و به سرزمین های بی آب و علف روی می آوردند تو چه می کردی؟
- آن ها را رها می ساختم و به جایی که آب و گیاه بود می رفتم.
- پس دستت را دراز کن و بیعت نما.

آن شخص می گوید:

سوگند به خدا به هنگام روشن شدن حق بر من، توانایی امتناع را نیافتم و با آن حضرت بیعت نمودم.

بزرگترین آفت انقلاب اسلامی ایجاد شبهه و شک و تردید در میان مردم است. طرح مسایل بی-اساس در جامعه بویژه در زمینه مسایل اعتقادی و دینی از سوی برخی گروه ها می تواند اعتماد مردم را به انقلاب و نظام سست نماید و در دراز مدت خطر جدی برای نظام مقدس جمهوری اسلامی به حساب آید. مقابله با این ترفند دشمن از ضروری ترین وظایف نیروهای مؤمن و انقلابی است و در این زمینه بایستی توصیه های علی(ع) را جدی گرفته و سرلوحه کارشان قرار دهند.

استفاده از جهالت مردم

یکی از شگردهای دشمنان این است که سعی می کنند پیوسته مردم را در جهل و نادانی نگه دارند و برای مبارزه از این روش بهره ها می گیرند. از دیدگاه علی(ع) طلحه و زبیر با استفاده از جهالت مردم بصره توانستند شورش به پا کنند. امام(ع) در این باره خطاب به مردم بصره می فرماید:

"سرزمین شما به آب نزدیک است و از آسمان دور، عقل هایتان سبک و افکار شما سفیهانه است، پس هدف خوبی برای تیراندازانید و لقمه چربی برای مفتخواران و صیدی برای صیادان!
افراد جاهل، سریع ابزار و آلت دست زبیرک ها قرار می گیرند و سد راه مصالح عالیه اسلامی واقع می شوند. همیشه منافقان بی دین، مقدس نماهای احمق را علیه حکومت اسلامی برمی انگیزانند.

مکر و حيله

علی(ع) مکر و حيله را از اصولی ترین روش های دشمنان اسلام می داند و علت اتخاذ این روش را در دوری آن ها از اخلاق و معنویت عنوان می کند. زیرا سیاست در نظر آن ها عبارت است از مکر و حيله، و از سیاست چیزی جز آن نمی فهمند. شورشگران بصره نیز از راه مکر و حيله وارد صحنه کارزار شدند. اینها از اولین کسانی بودند که با آن حضرت بیعت کردند و بعداً پیمان خود را شکستند. یکی از آن ها مروان بن حکم بود. وی در جنگ جمل اسیر شده بود و با وساطت امام حسن و امام حسین(ع) آزاد شد. پس حسین(ع) از امام علی(ع) خواستند که مروان می خواهد با شما بیعت کند. حضرت بالحنی خشم آلود فرمود:

"مگر او پس از قتل عثمان با من بیعت نکرد. هرگز نیازی به بیعت او ندارم دستش دست یهودی (دست خیانتکار و بی وفا) است، اگر با دستش بیعت کند، با پشت خود به شکستن پیمان اقدام می کند."

زمانی که عده ای می گفتند معاویه از علی(ع) سیاستمدارتر است امام در پاسخ آن ها فرمود:

"به خدا سوگند معاویه از من سیاستمدارتر نیست وی نیرنگ می زند اما من اهل مکر و حيله نیستم."

بنابراین یکی از راهکارهای دشمنان اسلام از دیدگاه علی(ع) استفاده از مکر و حیله است. این مکر و حیله در زمان های مختلف به اشکال متفاوت رخ می نماید.

تبلیغات و جوسازی

یکی دیگر از شگردهای همیشگی اهل باطل، جوسازی و تبلیغات منفی است. دشمنان با ایجاد جریان های انحرافی، افرادی را اسیر خود کرده به دنبال خویش می کشانند. علی(ع) می فرماید:

"ای مردم! در طریق هدایت از کمی افراد وحشت نکنید زیرا مردم در اطراف سفره ای اجتماع کرده اند که مدت سیری آن کوتاه و گرسنگی آن طولانی است."

امام(ع) از تبلیغات دشمنان به رعد و برق تعبیر می کند و تأکید می کند که آنان از طریق سرو صدا هم نمی توانند به نتیجه برسند زیرا باطل محکوم به فنا است و آن ها مرد شعار هستند نه مرد عمل، ولی اهل ایمان اول عمل می کند بعد شعار می دهد.

"قد اعدوا و ابرقوا و مع هذین الامرین الفشل و لسنا نرعد حتی نوقع ولانسیل حتی نمطر"
"بازیگران کارزار جمل، رعد و برق ها به راه انداختند و بالاخره با آن همه هیاهو و خروش، شکست خوردند ولی ما برای تهدید دیگران رعدآسا نمی خروشیم تا شکست دشمن تهدید عملی برای آنان گردد و تا باران سیل آور نبارانیم سیلی به راه نمی اندازیم."

ایجاد اختلاف و تفرقه در صف مسلمین

برنده ترین سلاح دشمن تفرقه و اختلاف است و از این طریق می کوشد وحدت مسلمانان را خدشه دار کند. امیرالمؤمنین(ع) بیشترین تأکید را بر وحدت مسلمانان داشته و معتقدند که برای استحکام نظام و حرکت اجتماعی وحدت و هماهنگی، لازم و تفرقه زیانبخش است.

آن حضرت بیان می دارند که دشمنان وی از طریق تفرقه در صفوف یارانش توانستند غائله جمل و صفین را به وجود آورند و مردم را به شورش علیه حکومت اسلامی دعوت کنند. آن حضرت درباره دشمنانش می فرماید:

"بر مأموران من و خزانه داران بیت المال مسلمین که در اختیار من است وارد شدند و در شهری که همه مردمش در اطاعت و بیعت من هستند قدم گذاردند، وحدت آن ها را برهم زدند و جمعیت آن ها را که همه با من بودند به شورش واداشتند."

از نظر حضرت علی(ع)، تفرقه، آثاری همچون از یاد بردن اهداف الهی، حضور دشمن در کشور و شکست و نابودی و ذلت مؤمن را به همراه دارد.

وحدت در نزد علی(ع) آن چنان مهم و با ارزش است که به خاطر حفظ وحدت جامعه اسلامی بیست و پنج سال سکوت را در پیش گرفت.

فرصت طلبی

دشمنان اسلام تا فرصت لازم را به دست آورند به بهانه های مختلف علیه حکومت اسلامی قیام می کنند. در واقع، یکی از ویژگی های دشمنان اسلام فرصت طلبی آن ها است. آن حضرت خاندان ابوسفیان و قاسطین را فرصت طلبانی معرفی می کند که هیچ گاه قلبا به اسلام گرایش پیدا نکردند و هرگاه فرصتی حاصل می شد، دست به شورش می زدند. مهمترین نشانه این فرصت طلبی برخوردهای نابخردانه آنان با حکومت علی(ع) بود و بر همین اساس بود که پیامبر(ص) با الهام الهی، باطن معاویه را شناخته و طبق نص صریح اهل سنت بارها او را مورد لعنت و نفرین قرار داده و محشورشان در قیامت بر غیر امت اسلام را برای او پیش بینی کرده است. بنابراین، از دیدگاه علی(ع) دشمن همیشه در کمین است و تا فرصت به دست آورد، حمله ور می شود.

استفاده ابزاری از مقدسات

یکی از شیوه های دشمنان در طول تاریخ، استفاده ابزاری از مقدسات بوده است. سوءاستفاده از تقدسات، گریزگاه حق گریزی در طول تاریخ بوده است.

استفاده معاویه در جنگ صفین از قرآن برای فریب یاران علی(ع) نمونه ای از این شیوه است. حضرت علی(ع) پس از فتنه تحکیم، در نامه ای به معاویه نوشت:

"ثم انك قد دعوتني الي حكم القرآن و لقد علمت انك لست من اهل القرآن و لاحكمه تريد"
"تو مرا به حکم قرآن دعوت کردی در حالی که اهل قرآن نیستی و حکم او را نمی خواهی"

از نظر علی(ع) خوارج، گروهی خشکه مقدس و جاهل مقدس مآب بودند و دشمنان نیز با تفسیرهای غلط از دین از این جماعت بهره ها گرفتند و آن ها را علیه علی(ع) شوراندند.

شیوه های برخورد علی(ع) با دشمنان

هوشیاری در برابر دشمن

حضرت علی(ع) تأکید دارد، که باید پیوسته در برابر دشمن هوشیار بود و هرگز دشمن را کوچک نشمرد. همچنین فرموده اند:

"لاتأمن عدوا و ان شكر "

"از دشمن در امان نباش، هر چند از شما سپاسگزاری می کند. "

از نظر علی(ع) باید پیوسته دشمن را زیر نظر داشت، اگر لحظه ای از دشمن غفلت کنیم، آسیب های فراوانی از ناحیه دشمن وارد می شود. ایشان می فرمایند:

"من نام عن عدوه انبهته المكائد "

"کسی که از دشمن غفلت کند، حيله ها و کيدهای دشمن بیدارش خواهد ساخت. "

حضرت علی(ع) در سفارش به مالک اشتر در پذیرش صلح شرافتمندانه می فرماید:

"زنهار، زنهار، سخت از دشمنت پس از پذیرش صلح برحذر باش، چرا که دشمن گاهی نزدیک می شود که غافلگیر سازد. بنابراین دوراندیشی را به کار بند و خوش بینی را متهم کن. "

علی(ع) مهمترین ویژگی خود را هوشیاری در برابر دشمن می داند و می فرماید:

"به خدا سوگند من همچون گفتار نیستم که با ضربات آرام و ملایم در برابر لانه اش به خواب رود تا صیاد به او رسد و دشمنی که در کمین او است غافلگیرش کند(من غافلگیر نمی شوم) "

حضرت با بیان این سخن، توطئه طلحه و زبیر را در به دست گرفتن بصره و کوفه ناکام گذاشت.

شیوه منطق و استدلال

دومین شیوه برخورد مولای متقیان علی(ع) در برابر دشمنان، اتخاذ راههای اصولی، منطقی و شیوه استدلال است. حضرت به استناد آیه قرآن که می فرماید:

"ادع الي سبيل ربك بالحكمه " با روش منطقی، دشمنان را مهار کرده و از این طریق می آموزد که همواره منطق و استدلال را در مبارزه نباید فراموش کرد.

"زبیر می پندارد که بیعتش تنها با دست بوده نه با دل، پس او اقرار به بیعت می کند ولی مدعی است که با قلب نبوده است، بنابراین، بر او لازم است بر این ادعا دلیل روشنی بیاورد وگرنه باید به بیعت خود بازگردد و به آن وفادار باشد. "

گرفتن بهانه از دست دشمن

دشمنان علی(ع) برای منفور جلوه دادن چهره و حکومت علی(ع) پیراهن عثمان را علم کردند و ایشان را قاتل عثمان خطاب کردند. آن حضرت در خطبه های مختلف به تحلیل این ماجرا می پردازد و از این طریق بهانه را از دست دشمن می گیرد زیرا می دانست که اگر این بهانه در جامعه دامنگیر شود، موفقیت بزرگی برای دشمن محسوب می شود.

مبارزه تا محو کامل دشمن

امیرالمؤمنین(ع) آخرین راه حل را به کارگیری زور در مقابله با دشمن می داند آن حضرت معتقد است گاهی دشمن از طریق مسالمت آمیز اصلاح نمی شود و ادامه وجود آن باعث فساد و ظلم در جامعه می شود و باید نابود شود:

"... پس اگر از آن سر باز زنند لبه تیز شمشیر را در اختیار آن ها قرار می دهم و این کار برای درمان باطل و یاری حق کفایت می کند. "

درس های غیرت آموز

آنچه اسلام واقعی را پس از پیامبر(ع) از انحرافات نجات داد رفتار علی(ع) در زمینه دشمن شناسی و شیوه برخورد با دشمنان بوده است. دشمن شناسی در نظر مولای علی(ع) آن قدر مهم و بااهمیت است که آن حضرت شناخت دشمن را رمز بینش می داند و تأکید می کنند که جدی نگرفتن دشمن و توهم فرض کردن دشمن به معنی نشناختن دشمن است. امام(ع) با این بیان تذکر می دهند که دشمن همواره در کمین نشسته است و باید مراقب و هوشیار بود.

علی(ع) یکی از رسالت های خطیر انبیا و امامان معصوم(ع) را شناسایی دشمن و معرفی آن ها به مردم عنوان می کند که از این طریق سلامت جامعه را تضمین می کردند. دوران حکومت علی(ع) ملو از درس های عبرت آموز در زمینه دشمن شناسی است؛ زیرا در مدت 5 سال حکومت، تمام هم و غم خود را صرف مبارزه با دشمن و هدایت منحرفان کرده است. این تجربه گرانقدر باید الگوی حکومت های اسلامی بویژه جمهوری اسلامی قرار گیرد. پیروی از سیره امام علی(ع) و عبرت گرفتن از رفتار آن حضرت در شیوه برخورد و شناسایی دشمن می تواند ما را در شناسایی دشمنان یاری دهد.

امیرالمؤمنین(ع) به کرات از خطر جریان نفاق در جامعه اسلامی سخن می گوید و تأکید دارد که دشمنان با چهره نفاق، ارزش های اسلامی را زیر سؤال می برند و زمینه های استحاله نظام اسلامی را فراهم می کنند.

علی(ع) آن روز با جاهلان مقدس مآب مواجه بود و جامعه اسلامی امروز ما نیز با افراد به اصطلاح روشنفکر و غربزده روبرو است. هر دو جریان در يك نقطه اشتراك دارند و آن فهم نادرست از مبانی و تعالیم اسلام است، این ناآگاهی و جهالت باعث شده است تا در مقابل نظام اسلامی جبهه گیری کنند.